

## اقدامات دادستان دیوان کیفری بین المللی در مرحله ی محاکمه

مهدی زکوی

عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور

### چکیده

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی که در سال ۱۹۸۸ مورد تأیید ۱۲۰ کشور جهان قرار گرفته دارای ۱۲۸ ماده و سیزده فصل می باشد که فصل ششم آن از مواد ۶۲ تا ۷۶ به جریان دادرسی و محاکمه اختصاص دارد در همین راستا در این پژوهش سعی شده تا وظایف و اختیارات دادستان کیفری بین المللی<sup>۱</sup> در مرحله ی محاکمه در اساسنامه و همچنین آیین دادرسی وادله (که در کنار اساسنامه مبنای کار دیوان است) مورد بررسی قرار گیرد. دادستان کیفری بین المللی که از مرحله ی تحقیق تا اجرای حکم دارای وظایف و اختیاراتی است رأساً یا از طریق ارجاع کشورهای عضو یا شورای امنیت ، می تواند تحقیقات را شروع و به گردآوری ادله و اطلاعاتی که مربوط به جرایمی که له یا علیه متهم است ، بپردازد. دوی مکلف است که در جلسات دادگاه حاضر و به دفاع از کیفرخواست بپردازد. همچنین بار اثبات مجرمیت بر عهده این مقام باشد که در این نوشتار به بحث و بررسی این وظایف ضمن استناد به مواد اساسنامه و همچنین آیین دادرسی و ادله خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: دیوان کیفری بین المللی، دادستان ، محاکمه، اساسنامه

1-international criminal court (icc)

## ۱- مقدمه

### درآمد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد که از سال ۱۹۸۹ به طور مستمر موضوع تأسیس دادگاه کیفری بین المللی را دنبال کرده بود نهایتاً توانست «اساسنامه تأسیس دیوان کیفری بین المللی» را در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ (۲۶ تیر ۱۳۷۷) به تأیید ۱۲۰ کشور از مجموع نمایندگان ۱۶۰ کشور شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم برساند. این اساسنامه در سال ۲۰۰۲ میلادی با الحاق شصتین کشور به آن لازم الاجرا شد تا محملی جهت تعقیب، محاکمه و احتمالاً کیفر آن دسته از تابعان حقوق بین الملل اعم از دولت ها و دولت مردان کجرو باشد.

سند دیگری که افزون بر اساسنامه مبنای کار دیوان است، آیین دادرسی و ادله ی دیوان می باشد که مطابق ماده ۵۱ اساسنامه، در ۲۲۵ ماده به تصویب رسیده است و بر اساس بند ۵ ماده مذکور در صورت تعارض مقررات اساسنامه و آیین دادرسی و ادله، اساسنامه برتری خواهد داشت.

از آنجا که عنوان این پژوهش وظایف و اختیارات دادستان کیفری بین المللی در مرحله محاکمه است سعی گردیده که مواد مرتبط با این موضوع در اساسنامه و همچنین آیین دادرسی و ادله مورد بررسی و ضمن آن این پرسش ها مطرح می گردد که نقش دادستان کیفری بین المللی در مرحله دادرسی و محاکمه چیست و اینکه این مقام در انجام وظایف خود دارای چه اختیاراتی می باشد.

### ۱. مرحله ی دادرسی و حضور دادستان

دادرسان دادگاه ها در این مرحله، درباره چگونگی مسوولیت مرتکب، کیفیت دلایل استنادی، نوع و میزان مجازات ها و یا اقدامات تامینی و تربیتی و بالاخره تناسب آن با شخصیت بزهکار تصمیم گیری می کنند. برخی از حقوقدانان جزا معتقدند که این مرحله مهم ترین مرحله ای دادرسی های جزایی است. بعضی بر این باورند که دادرسی های جزایی به معنی واقعی کلمه در دادگاه صورت می گیرد. بقیه مراحل عنوان شده، نباید دادرسی شمرده شوند. زیرا کشف جرم یک عمل پلیسی است. جمع آوری دلایل و جلوگیری از مزایا و یا مخفی شدن متهم و یا تعقیب بزهکار و حتی اجرای کیفر نیز می تواند از مصادیق دادرسی به شمار آید.

در نتیجه پیشنهاد می کنند که دادرسی های جزایی در دو مفهوم کاربرد داشته باشد: مفهوم عام و مفهوم خاص در مفهوم عام کلمه آیین دادرسی کیفری شامل کلیه مراحل پنج گانه دادرسی های جزایی است که شامل مراحل کشف، تحقیقات، تعقیب، دادرسی و اجرا می باشد.

در مفهوم خاص آن آیین دادرسی کیفری تنها تشریفات می باشد که از طرف دادگاه های جزایی در مقام رسیدگی جرم، از زمان بعد از صدور کیفرخواست تا انشای حکم قطعی به موقع اجرا گذاشته می شود.<sup>۱</sup>

موضوعی که در مرحله رسیدگی وجود دارد این است که در دیوان کیفری بین المللی دو نوع محاکمه برگزار می شود: یکی رسیدگی و محاکمه متهم با حضور دادستان در شعبه مقدماتی؛ و دیگری رسیدگی و محاکمه متهم در دادگاه بدوی می باشد. با این تفاوت که شعبه مقدماتی فقط برای تأیید یا عدم تأیید اتهامات برگزار می شود یا به عبارت دیگر قرار های نهایی صادر می کند اما دادگاه بدوی علاوه بر قرار های نهایی رای صادر می نماید و مجازات برای متهم در صورت مجرم بودن در نظر می گیرد.

۱- محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری (تهران، انتشارات اشراق دانشگاه قم، ۱۳۷۹)، ص ۴۷.

### ۱-۱. دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه معنا و مفهوم ویژه ای پیدا نموده و به عبارت بهتر به مفهوم بنیادی در آیین دادرسی کیفری تبدیل شده است که کلیه قواعد و ضوابط دادرسی را در پرتو چنین مفهومی باید تعبیر نمود. این امر در دادرسی های کیفری بین المللی جلوه ویژه ای دارد.

دیوان کیفری بین المللی که آخرین راهکار بشریت برای مبارزه با جنایات بین المللی و مجازات کردن مرتکبین آن ها می باشد در بردارنده اصول به رسمیت شناخته شده دادرسی عادلانه می باشد.

دادرسی عادلانه به معنای حداقل تضمیناتی است که به حمایت حقوقی از اشخاص دخیل در فرایند کیفری منجر می شود و یکی از پایه های اساسی حقوق بشر است. این مفهوم (دادرسی عادلانه) در بردارنده اصولی است که بیشتر در جهت حمایت از حقوق متهم و ایجاد فرصت های برابر و تساوی سلاح ها بین دادستان و متهم است. با وجود این اعمال این ضوابط قطعاً به رعایت حقوق بزه دیدگان، شهود و متضرران از جرم نیز منجر خواهد شد.<sup>۲</sup>

### ۱-۲. حضور در جلسات دادگاه

برای رسیدگی ماهوی به جرائم، جلسات دادگاههای کیفری باید با حضور دادستان تشکیل یابد؛ زیرا در اینگونه دادرسی ها دادستان مدعی مدعی عمومی است و همین خصیصه ایجاب می کند که در دادگاه حاضر می شود و از خواسته جامعه دفاع کند و با اظهار نظر منطقی و اصولی خود دعوی کیفری را در جهت حسن اجرای قوانین و احقاق حق و اجرای عدالت سوق می دهد.

از نظر دانشمندان حقوق جزا هیچ دادگاه کیفری نباید بدون حضور دادستان تشکیل شود و جرمی را مورد رسیدگی قرار دهد؛ زیرا شرکت دادستان یا نماینده او در دادگاههای کیفری فلسفه مهمی دارد و نادیده گرفتن آن خطاست.<sup>۳</sup>

### ۱-۳. دفاع از کیفر خواست

مطابق بند یک ماده ۴۲ اساسنامه دفاع از کیفر خواست در مقابل دادگاه بر عهده دادستان است.<sup>۴</sup> دادستان از اعضای دیوان محسوب می شود و نقش او نه تنها دفاع از کیفر خواست بلکه کشف حقیقت و اجرای عدالت است.<sup>۵</sup> پس از تایید اتهامات از سوی شعبه مقدماتی، مطابق ماده ۶۱، هیات رئیسه باید پرونده را جهت رسیدگی به مراحل بعدی به یک شعبه بدوی ارجاع دهد.<sup>۶</sup>

به نظر می رسد حضور دادستان در محاکمه ضروری می باشد به همین دلیل در اساسنامه دیوان ماده ۶۷ بند ۱ قسمت ط مقرر می دارد: هیچ گونه تکلیف متقابلی جهت اثبات ادله یا تکلیف در رد آنها بر متهم تحمیل نمی شود و همچنین صرف نظر از اینکه مطابق ماده ۶۶ اساسنامه دیوان اصل بر بی گناهی اشخاص (اصل برائت) است، لیکن در بند ۲ ماده اخیرالذکر آمده است که: اثبات مجرمیت بر عهده دادستان است.

### ۲. حقوق متهم در مراحل رسیدگی دیوان و ارتباط آنها با دادستان

تحولات نظام دادرسی و تلاش آن ها برای سلاح ها بین متهم و مقامات تعقیب همواره سر لوحه تدوین کنندگان اساسنامه رم بوده است، به گونه ای که فرض برائت در صدر حقوق متهم به رسمیت شناخته شده است. دادستان مکلف شده است تا

۲ - محمود صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی (تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۸)، صص ۱۷۰-۱۶۹.

۳ - محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰) ص ۷۵.

۴ - صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۱۶۵.

۵ - محمد علی اردبیلی، حقوق بین الملل کیفری، گزیده مقالات ۱ (تهران: انتشارات نشر میزان، ۱۳۸۶) ص ۴۷.

۶ - حسین آقایی جنت مکان، «نظارت قضایی بر تشخیص دادستان کیفری بین المللی»، مجله ی حقوقی بین المللی ۳۹ (۱۳۸۷)، ۲۶۲.

چنانچه اعتقاد وی بر مجرمیت متهم است به اندازه کافی دلیل علیه متهم بیاورد که قضات رسیدگی کننده بدون هیچ گونه شک و شبهه معقولی متهم را مجرم بدانند.<sup>۷</sup> البته این نهاد با توجه به فرآیند ایجاد آن که متأثر از خواست کشورهای مختلف و نظام های مختلف حقوقی بوده است، در قسمت هایی نیز از ویژگی های نظام تفتیشی برخوردار است که از آن جمله می توان به بند «الف» ماده ۵۴ اساسنامه اشاره کرد که مقرر می دارد؛ دادستان ارگان عدالت محسوب می شود.<sup>۸</sup> بدین سان در این بخش به رعایت حقوق متهمان و ارتباط آنها با دادستان کیفری بین المللی که بعضی از آنها به صراحت و بعضی دیگر به صورت ضمنی جزو وظایف و اختیارات دادستان هستند، می پردازیم.

## ۱-۲. مفهوم متهم

قبل از آنکه به بررسی حقوق متهم پرداخته شود شایسته است معین گردد چه کسی متهم است و شخص از چه زمانی به طور رسمی با این وصف شناخته می شود و تا چه هنگام در این وصف باقی می ماند. در بسیاری از موارد عنوان متهم بدون دقت و بی اعتنا به جایگاه و آثار حقوقی آن بر شخص اطلاق می شود، همانگونه که در مبحث مربوط به حقوق مظنونان در برخی متون وصف متهم به کار برده شده و یا از آن برای مفهومی اعم استفاده شده است. ولی در مقام تمیز میان مظنونان، متهم و محکوم دامنه شمول هر یک باید به طور دقیق مشخص گردد. وقتی از حقوقی سخن گفته می شود که به طور ماهوی بخصوص متهم است تعیین قلمرو زمانی و مرحله ای آن اهمیت و حساسیت ویژه می یابد. سپس باید نقطه ی آغاز و پایان صدق وصف متهم بر شخص معین گردد.

## ۱-۱-۲. آغاز دوره اتهام

شروع زمان متهم شدن لحظه ای است که شخص از سوی مقام صلاحیتداری به طور رسمی با این عنوان مورد خطاب قرار می گیرد. این هنگام در سیستم های مختلف متفاوت است. در انگلیس، پلیس پس از دستگیری، با ارائه نسخه مکتوبی حاوی اتهام وارد بر شخص رسماً او را متهم می کند و نسخه ای هم به مقام قضایی می فرستد که با آن مرحله دادرسی کتبی آغاز می شود. اما سیستم های اروپایی معمولاً برای این کار تا ورود مقامات قضایی به پرونده به تاخیر می افتد.<sup>۹</sup> کمیسیون اروپایی حقوق بشر بر این عقیده بود که اگر پلیس در حال بررسی است، یا مشهود مورد استماع قرار می گیرند و یک ارگان قضایی تحقیق مقدماتی می کند، هنوز به معنای وجود اتهام کیفری نیست، بلکه مرحله مورد بحث، زمانی آغاز می شود که وضعیت شخص، در اثر ایراد اتهامی علیه وی به طور اساسی متأثر گردیده است. این دیدگاه مورد پذیرش دادگاه اروپایی نیز قرار گرفته است.<sup>۱۰</sup>

قواعد آئین دادرسی دیوان نیز به تبع اساسنامه تا پیش از تایید کیفرخواست از به کار بردن وصف متهم خود داری کرده است و تنها در قاعده ۱۲۸ برای نخستین بار از کلمه متهم استفاده شده که مربوط به پس از تایید کیفرخواست است. بر این اساس در سیستم دیوان کیفری بین المللی تا پیش از تایید کیفرخواست یا فقراتی از آن توسط شعبه مقدماتی شخص به طور رسمی به عنوان متهم شناخته نمی شود. بدین سان لحظه ی آغاز دوره اتهام در محاکم کیفری بین المللی هنگامی است که یک کیفرخواست معتبر علیه شخص صادر گردد و سبب تبدیل وضعیت شخص از مظنون به متهم شود.<sup>۱۱</sup>

## ۲-۱-۲. پایان دوره اتهام

۷- ر.ک: مواد ۶۶ و ۶۷ اساسنامه دیوان.

۸- صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۲۶-۲۳۵.

9-Mario chiavario, 'private parties: the rights of the defendant and the vitim ( Cambridge university press,2002).541\_593.

۱۰- مصطفی فضائی، محاکمات کیفری بین المللی (تهران: موسسه ی مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷)، ۴۱۰-۴۰۹.

۱۱- فضائی، محاکمات کیفری بین المللی، ۴۱۲-۴۱۱.

پس از بررسی آغاز دوره اتهام ، حال باید دید پایان آن تا چه زمانی خواهد بود . حقوق و حمایت های ویژه ای که شخص به واسطه ی متهم شناخته شدن مستحق آن شده است با زوال اتهام و یا با انتقال او از وضعیت متهم به موقعیت محکوم از بین می رود . البته در صورت محکوم شدن ، حمایت های دیگری به منظور تضمین اجرای درست حکم و تحمل مجازات با توجه به فلسفه آن ضرورت پیدا کند .

اما زوال اتهام یا به واسطه تبرئه شدن شخص در دادگاه است و یا در اثر پس گرفتن کیفر خواست از سوی دادستان می باشد. امکان استرداد کیفر خواست در مقررات دادگاههای کیفری بین المللی پیش بینی شده است. مطابق با بند ۹ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ، پس از آغاز محاکمات دادستان می تواند با اجازه شعبه رسیدگی کننده اتهامات را پس بگیرد . در این صورت هر گونه قرار قبلی مربوط به اتهام مسترد شده همانند اتهامات تایید نشده ، بی اثر می شود .

بدیهی است صدور حکم برائت نیز سبب زوال اتهام می شود . چنانچه جرایم اتهامی در نظر دادگاه ، بر اساس ادله ارائه شده و مطابق با قواعد دادرسی و ادله اثبات بدون هر گونه تردید معقول اثبات نشود باید حکم برائت متهم صادر گردد . این همان مقتضای اصل برائت یا فرض بی گناهی است .

به علاوه حکم صدور برائت ممکن است توسط شعبه تجدید نظر باشد زیرا این شعبه صلاحیت رد یا اصلاح رای بدوی را دارد .

## ۲-۲. ضرورت حضور متهم در دادرسی

از جمله الزاماتی که برای یک دادرسی عادلانه وجود دارد ، این است که جلسات رسیدگی به صورت حضوری برگزار شود . این حق با اصل برابری سلاح های طرفین ارتباط دارد . زیرا در صورت حضوری بودن دادرسی متهم می تواند در جلسه دادرسی ضمن چالش با دادستان ، دفاع متناسبی از خود ارائه دهد ، اتهامات را تکذیب کند ، به وکلای خود در ارائه ادله کمک کند و یا در مواجهه با شهود از آنان سوالاتی بنماید یا هنگام سوال از شهود توصیه های را به وکلای خود بنماید<sup>۱۲</sup>. حضور متهم در محاکمه ، از یک سو ، عنصری مهم در حق دفاع شخصی است و از سوی دیگر مسلم است که توانایی روبرو شدن متهم با قاضی و وارد کننده اتهام بر اعتبار دادرسی می افزاید و به کشف حقیقت کمک می کند<sup>۱۳</sup> .

البته همان قدر که حضور متهم را بسیار ضروری دانسته اند به همان نسبت هم حضور دادستان به متهم کمک می کند تا بتواند به خوبی از خود دفاع کند چراکه ارائه اتهامات توسط دادستان است که متهم آن اتهامات را به چالش بکشد و به دفاع خود کمک کند و با پرسش از شهود دادستان است که به او در دفاعیات کمک می کند راه محاکمه را آسان تر کند و نکته دیگر اینکه روبرو شدن با وارد کننده اتهام بر اعتبار دادرسی می افزاید و به کشف حقیقت کمک می کند و دلیل مهمتر این است که دادستان گرد آورنده علیه و له متهم است پس ضرورت حضور وی لازم است.

بدین سان ضرورت حضور متهم در دادرسی ارتباط نزدیک با دادستان دارد، چراکه حضور داشتن متهم را به عنوان یک حق دانسته اند و این حق را با اصل برابری سلاح های طرفین ارتباط دارد .

## ۲-۳. بی طرفی دادرسان

یکی دیگر از شروطی که همواره در اسناد حقوق بشری از جمله در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد سابق الذکر مورد تاکید قرار گرفته است بی طرفی دادگاه است. بی طرفی صفتی است که بیشتر ناظر به قضات رسیدگی کننده و سایر اشخاص دخیل در امر تعقیب، تحقیق و رسیدگی است که استقلال بیشتر ناظر به ساختار و تشکیلات قضایی و سیستم عزل و نصب مقامات قضایی و عدم تبعیت آن از قوای دیگر به ویژه قوه مجریه است . لذا می توان گفت استقلال دادگاه یکی از پیش شرط بی طرفی آن است<sup>۱۴</sup>.

۱۲ - صابر ، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۱۹۰.

۱۳ - فضائی ، محاکمات کیفری بین المللی، ۲۷۷.

۱۴ - صابر ، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۰۲.

بی طرفی به معنای جانبداری نکردن از شخص یا چیزی مانند عقیده، رای یا حکم خاصی است، در رسیدگی های قضایی نیز همین منظور مراد است. به گونه ای که مقام قضایی باید بدون پیش داوری، غرض ورزی و جانبداری از یک تفکر خاص رسیدگی خود را انجام دهد. بی طرفی در جریان و روند دادرسی معنا پیدا می کند به گونه ای که در طول محاکمات نباید از یکی طرفین حمایت ویژه بشود. بلکه طرفین باید در بیان مواضع و ارائه ادله و دفاعیات خود، فرصت برابر داشته باشند و دادگاه نیز با توجه به جمیع جهات و پس از ارزیابی منصفانه از دلایل و مدارک طرفین و تحقیقات صورت گرفته توسط دادستان تصمیم خود را اتخاذ نماید. لذا می توان گفت بی طرفی دادگاه به این معناست که:

اولاً: مقام قضایی قبلاً در آن موضوع اظهار نظر نکرده و یا تصمیمی نگرفته باشد. ثانیاً: وی و بستگان نزدیک ایشان در آن قضیه ذی نفع نباشند و یا سابقاً به مناسب دعوای دیگر یا هر امر دیگری با طرفین پرونده ارتباط یا خصومتی نداشته باشند. ثالثاً از لحاظ سلسله مراتب نیز اگر وضعیت به گونه ای باشد که مقام تعقیب دعوی عمومی همان مقامی باشد که مقام قضایی را نصب نموده است و یا از لحاظ سلسله مراتب اداری بر او نظارت دارد، بی طرفی دادگاه نقض شده است.

اما در خصوص دادستان باید اذعان داشت که بر اساس بند ۷ ماده ۴۲ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، دادستان و معاونان وی نمی توانند در حل و فصل موضوعی که در آن بی طرفی آن ها به نحو معقول و به هر دلیلی ممکن است مورد تردید واقع شود شرکت نمایند.

آنان به موجب این بند در موضوعی که سابقاً تحت هر عنوانی در مقابل دادگاه مطرح نموده یا در یک پرونده کیفری مرتبط با آن در محاکم ملی که در آن پرونده شخص مورد تعقیب یا تحقیق حاضر مطرح بوده و اینان مداخله داشته اند، از فعالیت ممنوع هستند. بند ۵ این ماده حتی پا را فراتر هم گذاشته و مقرر می دارد که دادستان و معاونان وی می بایست از اشتغال به هر شغلی که ممکن است با وظایف آن ها در امر تعقیب متهمان ناسازگار بوده یا موجب تردید در استقلال آن بشود، خودداری کنید به علاوه آنان باید از اشتغال حرفه ای به هر شغل دیگری امتناع نمایند.

نهایتاً ماده ۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان در تکمیل و تبیین مقررات اساسنامه، مبانی عدم صلاحیت قاضی، دادستان یا معاون دادستان را به شرح زیر بر می شمرد:

( الف ) وجود منافع شخصی در قضیه ای، از جمله حضور همسر والدین یا یکی از اعضای نزدیک خانواده وی، یا وجود رابطه شخصی یا شغلی هر نوع وابستگی با اعضای حاضر در قضیه؛

( ب ) مشارکت در هر رسیدگی حقوقی مطرح شده که وی قبلاً در آن قضیه حضور داشته است بعداً توسط وی مطرح شود که در آن قضا یا شخص مورد تحقیق یا پیگرد مورد تحقیق یا پیگرد طرف مقابل دعوا بوده یا می باشد؛

( ج ) قبل از انجام وظیفه در این مقام، وی در مقام اجرای وظایفی بوده که طی آن دیدگاهی را در قضیه مورد بحث نسبت به طرفین یا نسبت به نمایندگان قانونی شان داشته است که به طور قطع بر بی طرفی وی در قضیه تاثیر می گذارد؛

( د ) بیان دیدگاه ها، از طریق رسانه های همگانی به صورت کتبی یا در اقدام عمومی که به طور قطع بر بی طرفی وی در قضیه تاثیر می گذارد.

این امر ( دادرسی) همانند قوانین داخلی از قواعد آمره می باشد. به طوری که به شرح فوق هم دادستان و هم متهم می توانند تقاضای رد را بنمایند و هم طبق ۳۵ آیین دادرسی و ادله در صورتی که مقام قضایی (قاضی به دادستان یا معاون) این قضیه بشود باید آن را مطرح نماید<sup>۱۵</sup>.

به نظر می رسد از این موضوعات می توان دو مطلب برداشت کرد: یکی اینکه خود دادستان با توضیحاتی که پیش از این آمد مورد رد قرار می گیرد و دیگر آن که دادستان می تواند، رد قاضی یا دادرس را بخواهد یعنی؛ به طور مستقیم این حق را به دادستان داده اند تا بتواند اشخاصی که زمینه رد آنها مهیا شده است را تقاضای رد کند. این امر، این نکته را در ذهن تداعی می کند که تفاوتی ندارد آن شخصی که امکان ردش وجود دارد علیه یا له متهم، اظهار نظر یا رای داده باشد. در هر صورت دادستان، می تواند، تقاضای رد او را بنماید.

۱۵ - صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۰۵-۲۰۲.

**۴-۲. معقول بودن مهلت رسیدگی**

الزام دیگری که در اسناد و معاهدات بین المللی حقوق بشر به آن اشاره شده است، لزوم رسیدگی در مهلتی معقول و متعارف است که در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند یک ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و همچنین در اساسنامه های دادگاه های کیفری بین المللی به این الزام اشاره شده است. اهمیت این امر به گونه ای است که در بیان حقوقی گفته می شود تاخیر در اجرای عدالت به منزله انکار عدالت است. انعکاس این اصل هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله رسیدگی وجود دارد. به گونه ای که در مرحله تحقیقات مقدماتی متهم باید هر چه سریعتر نسبت به اتهام خود مطلع شود و پس از آن در سریعترین زمان ممکن، پرونده در اختیار مقام قضایی قرار گیرد. در مرحله رسیدگی نیز الزام از مرحله بدوی گرفته تا مراحل تجدید نظر و فرجام خواهی را شامل می شود.

الزام، نقش تعیین کننده ای در اجرای عدالت دارد. چرا که طولانی شدن محاکمه مضراتی چون از بین رفتن دلایل و مستندات، نظیر فراموش کردن صحنه جرم از سوی شهود و یا فوت شدن و مفقود شدن آن ها و از بین رفتن سایر ادله را در پی دارد. طبیعی است که در این گونه موارد نتیجه دادرسی، نمی تواند نتیجه ای عادلانه باشد<sup>۱۶</sup>.

این اصل در دادرسی های بین المللی از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا به لحاظ شدت جرائم داخل در صلاحیت این محاکم، اغلب متهمان تا پایان دادرسی این محاکم در بازداشت به سر می برند. طبیعتاً هر گاه نتیجه یک رسیدگی کیفری بین المللی تبرئه متهم باشد، تاخیر بیش از اندازه در رسیدگی به آن پرونده تاثیر مطلوبی بر روند رسیدگی ها خواهد داشت. علاوه بر این، از آن جا که مرتکبین این گونه جنایات، اشخاص قدرتمندی هستند که از یک سو اقرار به ارتکاب جرم نمی کنند و از دیگر سو نیز سعی می کنند با کمک ایادی خود، ادله مربوط را نیز از بین برند تا به این طریق دادرسی بین المللی طولانی تر شود و از طریق بی اعتبار کردن ادله استنادی، زمینه برائت خود را فراهم نمایند، به همین علت نمود بیشتری پیدا می کند.

لزوم سریع بودن دادرسی های بین المللی یکی از الزامات این رسیدگی ها است که از سوی متهم هم قابل اعتراض نیست و در واقع از قواعد آمره محسوب می گردد. البته تعیین این که چه مهلتی، معقول به حساب می آید از پرونده ای به پرونده دیگر متفاوت است.

دیوان کیفری بین المللی نیز با توجه به سوابق نظام های دادرسی ملی در این خصوص و همچنین با پشتوانه ای از رویه دادگاه های بین المللی موردی، سعی در تضمین این اصل از اصول عادلانه داشته است. به گونه ای که در قسمت «ج» از بند یک ماده ۶۷ اساسنامه یکی از حقوق متهم را این گونه ذکر می کند که «بدون تاخیر ناموجه محاکمه شود».

به علاوه در جاهای دیگر، از جمله در آیین دادرسی و ادله نیز به این مهم پرداخته است. به عنوان نمونه در مواد ۱۰۹ و ۱۵۰ آیین دادرسی تاکیداتی بر سرعت در دادرسی شعبه مقدماتی و رسیدگی های پژوهشی وجود دارد<sup>۱۷</sup>.

بنابراین با توجه به مطالب مطروحه می توان ادعان داشت که دادستان کیفری بین المللی در معقول بودن مهلت رسیدگی می تواند ارتباط و نقش داشته باشد، از جمله اینکه تحقیقات را از موضوعاتی یاد کرده اند که از وظایف و اختیارات دادستان است و او می تواند در معقول بودن مهلت رسیدگی تاثیر داشته باشد.

**۵-۲. حق بر آزادی موقت**

متهمان به جنایات تحت صلاحیت دادگاههای کیفری بین المللی به طور معمول در بازداشت به سر می برند. این در حالی است که حق بر آزادی و فرض بی گناهی مقتضی عدم توقیف و سلب آزادی شخص پیش از اثبات قطعی و نهایی جرم است. بنابراین حتی شخصی که به طور رسمی متهم شده است و کیفر خواست علیه او تهیه و به تایید مرجع قضایی رسیده است،

۱۶- elsea, Jennifer; op.cit, 36

۱۷ - صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۰۶-۲۱۰.

باید مشمول این قاعده باشد مگر آنکه دلایل کافی مبنی بر ضرورت توقیف و بازداشت وجود داشته باشد. بدیهی است هر زمان که این دلایل زایل گردد و یا نادرستی آن محرز شود متهم بلافاصله آزاد شود بر این اساس باید به متهم حق داده شود که بتواند خواستار آزادی موقت خود گردد این درخواست می تواند پیش از محاکمه و یا در طی آن باشد<sup>۱۸</sup>.

مقررات دیوان کیفری بین المللی امکان آزادی موقت اشخاص تحت تعقیب یا تحقیق را در دو مرحله پیش بینی کرده است: یکی هنگامی که شخص توسط مقامات دولتی دستگیر شده است و پیش از آن که به دیوان تسلیم شود و دیگری پس از آنکه به دیوان تسلیم شده است.

ماده ۵۹ اساسنامه دیوان، امکان آزادی موقت شخص را توسط مقامات دولتی که او را دستگیر کرده اند، بیان می کند و در بند ۴ قاعده ۱۱۷ آئین دادرسی و ادله اثبات این دیوان در این باره مقرر می دارد: هنگامی که مقام صالح دولت توقیف کننده به شعبه مقدماتی دیوان اطلاع دهد که شخص دستگیر شده تقاضای آزادی کرده، مطابق بند ۵ ماده ۵۹ شعبه توصیه های خود را در محدوده زمانی تعیین شده توسط آن دولت ارائه خواهد کرد. حق درخواست آزادی موقت شخص که در اختیار دیوان طی ماده ۶۰ اساسنامه پیش بینی شده است، در بند ۲ این ماده آمده است که؛ شخص موضوع قرار دستگیری می تواند درخواست آزادی موقت خود را تا زمان محاکمه کند. شعبه اگر متقاعد شود که شرایط مقرر در بند ۱ ماده ۵۸ حاصل است، شخص را باید در بازداشت نگه دارد و در غیر اینصورت به طور مشروع یا بدون شرط او را آزاد می کند. ظاهر این مقرره ناظر بر آزادی موقت تا پیش از محاکمه است، اما بند ۱ قاعده ۱۱۸ آئین دادرسی و ادله اثبات دیوان به صراحت امکان آزادی موقت در هر مرحله از فرایند دادرسی را پیش بینی کرده است و می گوید اگر شخص تسلیم شده به دیوان درخواستی اولیه برای آزادی موقت در انتظار محاکمه یا در نخستین جلسه دادگاه و یا پس از آن داشته باشد شعبه باید راجع به درخواست بدون تاخیر و پس از دریافت نظرات دادستان تصمیم بگیرد. شعبه ممکن است طی بازنگری های دوره ای یا موردی رای اش را درباره بازداشت، آزادی، شرایط آزادی تغییر دهد. یکی از عواملی که به طور خاص مورد توجه قرار گرفته طولانی شدن دوره بازداشت است. به موجب بند ۴ ماده ۶۰ اساسنامه شعبه مقدماتی باید مراقبت کند که شخص به سبب تاخیر غیر موجه دادستان، برای دوره ای غیر معقول در بازداشت نماند، اگر چنین اطاله ای رخ دهد، باید آزادی شخص مورد بررسی قرار گیرد. به علاوه اساسنامه دیوان امکان تجدید نظر خواهی از تصمیم دادگاه راجع به اعطا یا رد آزادی شخص تحت تعقیب یا تحقیق را پیش بینی کرده است. در مجموع از مقررات دیوان کیفری بین المللی چنین بر می آید که نه بازداشت و نه آزادی شخص موضوع فرایند دادرسی در دیوان هیچ یک اصل و قاعده نیست، و تصمیم به هر یک از آنها نیازمند دلیل است و این را می تواند در مقایسه با سیستم دادگاههای کیفری ویژه که بازداشت را قاعده و آزادی را استثناء تلقی کرده اند از نظر رعایت حقوق اشخاص مظنون یا متهم پیشرفته تر و به استانداردهای بین المللی حقوق بشر نزدیک تر است<sup>۱۹</sup>.

به نظر می رسد خواستن و دریافت نظرات دادستان توسط شعبه، این مفهوم را می رساند که نوعی وظیفه را از دادستان درخواست کرده است و دیگر این که نظرات دادستان در این مورد (آزادی موقت) مورد اهمیت می باشد. فلذا می توان نتیجه گرفت آزادی موقت متهم با دادستان ارتباط دارد و تاثیر نظرات دادستان در آن دخیل و سهیم است.

## ۲-۶. حقوق مربوط به دفاع

### ۱-۶-۲. حق آگاهی از اتهام و ادله آن

دیوان کیفری بین المللی این حق را با تفصیل و تاکید بیشتر در ردیف «الف» از بند ۱ ماده ۶۷ بیان کرده است و می گوید متهم باید فوراً و به تفصیل از ماهیت، سبب و محتوای اتهامی که به زبانی که کاملاً می فهمد و به آن سخن می گوید، مطلع شود و مطابق با مقررات آئین دادرسی و ادله اثبات این دیوان نه فقط متهم از محتوای کیفرخواست آگاه شود بلکه در جلسه

۱۸ - فضائی، محاکمات کیفری بین المللی، ۴۱۴.

۱۹ - فضائی، محاکمات کیفری بین المللی، ۴۲۱-۴۲۰.



ای استماع مربوط به تأیید کیفر خواست در شعبه مقدماتی نیز حضوری می باشد. بنابراین حق متهم به آگاه شدن از اتهام و منشا و محتوای آن در محاکمات کیفری بین المللی تضمین شده است.<sup>۲۰</sup>

به نظر می رسد به این دلیل که کیفر خواست مربوط به دادستان است و تنظیم کننده کیفر خواست است این وظیفه ایشان است که متهم را از آن آگاه کند حتی پس از این که شعبه مقدماتی کیفر خواست را تأیید کرد تا آن را به دادگاه بدوی ببرد، دادستان باید اتهامات تأییدی را، به متهم آگاهی دهد پس می توان این نتیجه را گرفت که در مرحله محاکمه حق آگاهی از اتهام که یک حق برای متهم است و دادستان باید این حق را رعایت کند. یکی دیگر از موضوعاتی است که با وی ارتباط دارد.

## ۷-۲. رابطه حق اطلاع متهم و برابری سلاح ها

برابری سلاح ها مقتضی آن است که بین طرفین نوعی موازنه اطلاعاتی نسبت به پرونده برقرار شود. یعنی آنچه در پرونده اتهامات جمع آمده است و طبعاً در اختیار دادستان است، به اطلاع متهم نیز رسانده شود، چرا که در غیر این صورت، در مقام دفاع در وضعیتی نابرابر و در موقعیتی ضعیف تر از دادستان قرار می گیرد.

البته در این باره سوالاتی به ذهن می رسد، از جمله این که شاید برخی اطلاعات در اختیار دادستان که هنوز کامل نشده و به مرتبه ای نرسیده که بخواهد آنها را به عنوان دلیل ارائه کند، بلکه با ادامه ی تحقیقات ممکن است تکمیل شود و به مرتبه دلیل قابل عرضه در دادگاه برسد، وانگهی دسترسی متهم به این اطلاعات ممکن است باعث اختلاف در کار تکمیل تحقیقات دادستان گردد. از سوی دیگر به نظر می رسد استناد به برابری سلاح ها متقابلاً مقتضی دسترسی دادستان به ادله دفاعی متهم است، حال آنکه مکلف کردن متهم به ارائه اطلاعات پرونده دفاعی خود و می تواند تضمین دادرسی عادلانه را نسبت به او با تردید مواجه کند.

## ۸-۲. وظیفه افشای ادله و اطلاعات

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مقررات مفصلی در خصوص افشاگری ادله ندارد. ماده ۶۱ اساسنامه یک وظیفه ی کلی را پیش بینی کرده است. به علاوه، بخش زیادی از آئین دادرسی و ادله (فصل ۴ بند ۲) به این مساله مربوط است و مواد ۷۶ تا ۸۴ به افشاگری اختصاص دارد. مقررات مذکور در آئین دادرسی و ادله اهمیت وظیفه ی دادستان برای افشاگری را نشان می دهند. ماده ی ۷۶ مقرر می دارد: دادستان باید اسم شهودی را که قصد دارد آنان را به دادگاه دعوت کند و رونوشتی از هر گونه اظهارات سابق آنان را در اختیار متهم قرار دهد. همین مساله باید در رابطه با شهودی که بعداً برای ادله شهادت دعوت می شوند انجام گیرد. اظهارات شهود باید به زبانی که متهم با آن صحبت می کند ترجمه شود. مواد مربوط به افشای ادله تابع محدودیت هایی است تا حفاظت از قربانیان و شهود را تامین نماید.<sup>۲۱</sup>

وظایف دادستان تعهدات مستمری هستند که به همه ی ادله دیگری که در هر مرحله از محاکمات کشف شده است اشاره دارد.

به طور کلی محدودیت های مربوط به افشاگری ادله در آئین دادرسی و ادله آمده اند ادله ای که از افشا کردن مستثنی هستند عبارتند از: گزارش ها، یادداشت ها و سایر اسناد داخلی طرفین. به هر حال، دادستان نمی تواند این ادله را در دادگاه ارائه نماید، بدون این که آنها را برای متهم افشا کند. در مقررات اساسنامه بین المللی نکته مهمی که در رابطه با وظیفه دادستان باید بیان شود این است که وظیفه خاصی به عهده ی دادستان گذاشته شده است، به این معنی که، در صورت تردید، ادله ی تبرئه کننده باید به شعبه برای صدور رای ارائه شوند.<sup>۲۲</sup> قواعد و رویه ی دادگاه های ویژه یوگسلاوی و رواندا چارچوب

<sup>۲۰</sup> - همان.

<sup>۲۱</sup> - سالواتور زاپالا، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین المللی، ترجمه و تحقیق حسین آقایی جنت مکان (اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۷)، ۱۸۴.

<sup>۲۲</sup> - سالواتور زاپالا، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین المللی، ۴۲۸-۴۲۷.

و دوره زمانی مشخصی را جهت افشای ادله دادستان برای متهم پیش از شروع محاکمه، تعیین کرده اند. شهود مورد نظر دادستان مهمترین عامل در این زمینه است.

دادستان ملزم است هر چه زودتر، تا آنجا ممکن است، و در هر صورت پیش از آغاز محاکمه، نام شهودی را که قصد دارد [ از شهادت آنان ] برای اثبات مجرم بودن متهم و رد اظهارات او استفاده کند، به اطلاع متهم برساند. متقابلاً تکالیف مشابهی بر دوش متهم نهاده است.

مقررات آئین دادرسی و ادله اثبات دیوان کیفری بین المللی نیز در زمینه افشای ادله، به ویژه نام شهود، همانند آنچه در دیوان های موقت مطرح بوده، تکالیفی را مقرر کرده است. همچنین دادستان می تواند مدارک یا اطلاعاتی را که ممکن است منجر به خطر شدید برای امنیت شاهد یا خانواده اش شود از متهم پنهان نگاه دارد تا جایی که چنین اقدامی به حقوق متهم نسبت به دادرسی عادلانه لطمه نزند یا به نحوی با آن ناسازگار نباشد.

به نظر می رسد با استناد به موضوعات یاد شده «وظایف دادستان تعهدات مستمری هستند که به همه ی ادله دیگری در هر مرحله از محاکمه کشف شده است اشاره دارد» افشای اطلاعات نیز در مرحله محاکمه تاثیر دارد و باعث می شود که روند محاکمه را تغییر دهد. به فرض مثال ندادن بعضی اطلاعات که از حقوق متهم است مانند نام شهود این امکان را دارد نظرات دادگاه را در مورد مجرم نبودن متهم سست کند. فلذا می توان نتیجه گرفت که افشای ادله و اطلاعات که دادستان بطور مستقیم البته در محدوده قانون در آن نقش و ارتباط دارد که از وظایف و اختیارات دادستان در مرحله محاکمه هم باشد.

#### ۹-۲. فرصت و امکانات کافی برای آماده کردن دفاع

این حق در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز پیش بینی شده، اما هیچ تفصیلی در این باره بیان نشده است، در قواعد آئین دادرسی و ادله اثبات آن هم چیزی بیش از اساسنامه آورده نشده است، به طور کلی حق دریافت فرصت و تسهیلات کافی بستگی به شرایط خاص هر پرونده دارد و بر حسب مورد قابل ارزیابی است در حالی که تأمین این حق، تا حدود زیادی در ضمن برخی حقوق دیگر متهم مانند حق دسترسی به اطلاعات و اسناد، بهره مند از مترجم، وکیل و ارتباط و مکاتبات آزادانه و محرمانه تجلی می یابد و همه اینها در خدمت تحقق کامل یک حق است و آن حق دفاع متهم است<sup>۲۳</sup>.

#### ۱۰-۲. بار اثبات در دفاع

از جمله ابعاد بحث مربوط به دفاع، توزیع بار دلیل است. با پذیرش فرض بی گناهی در مقررات کیفری بین المللی، بار اثبات بر دوش دادستان است. اما اگر متهم در مقام دفاع به وقایعی استناد کند که مبتنی بر اطلاعات خود اوست، اثبات آن بر عهده وی خواهد بود<sup>۲۴</sup>. شاید از این بیان چنین در نظر آید که در این صورت بار دلیل از دادستان و رویه محاکم کیفری بین المللی و مفهوم معیار بار دلیل می توان نوعی سازگاری در این زمینه رسید.

اگر دفاع متهم مبتنی بر رد عنصر مادی جرم اتهامی باشد چیزی بیش از انکار نیست و تاثیری بر معیار بار دلیل نخواهد داشت بلکه تکلیف دادستان است که هر گونه احتمال عقلایی درستی ادعای متهم را که متضمن انکار است رد کند نه آنکه متهم موظف باشد درستی آن را به اثبات برساند. زیرا مقتضای براءت با فرض بی گناهی این است که دادستان باید وقوع جرم اتهامی را از سوی متهم به دور از هر گونه تردید معقول اثبات کند.

حال اگر اظهارات و ادعاهای متهم سبب بروز تردیدی معقول گردد و دادستان قادر به رد آن نباشد اتهام یا اتهامات علیه متهم موافق با استانداردهای اثبات محرز نشده است. ماده ۶۶(۲) مقرر می دارد: بار اثبات مجرمیت به عهده دادستان است. راجع به شیوه ی اثبات جرم، به نظر می رسد قواعدی که دقیقاً لزوم اثبات مجرمیت را مطابق با قانون تعیین می نمایند برای احراز

۲۳ - فضائی، محاکمات کیفری بین المللی، ۴۳۲.

مجرمیت یا بی گناهی از شیوه های قانونی استفاده شود. دادستان باید برای اثبات مجرمیت متهم از شیوه ی مستدل و قانونی تفسیر استفاده کند.<sup>۲۵</sup>

از جمله بر اساس بند ۲ ماده ۶۷ اساسنامه، دادستان باید به محض آن که امکان پذیر شد مستنداتی را در اختیار و یا تحت کنترل خود داشته و معتقد است که مبین بی گناهی متهم است و یا مجرمیت وی تخفیف می دهد و یا بر اعتبار مستندات بازجویی تاثیر می گذارد به متهم ارائه دهد. در صورت تردید در شمول یا عدم شمول این بند، اتخاذ تصمیم با دیوان خواهد بود.<sup>۲۶</sup>

به نظر می رسد ماده ۶۶(۲) که مقرر می دارد: بار اثبات مجرمیت به عهده دادستان است این موضوع را اثبات می کند که حضور دادستان در دادگاه الزامی می باشد زیرا این دادستان است که بار اثبات مجرمیت بر عهده اوست از همه مهم تر این که این امر به صراحت جز وظایف و اختیارات دادستان کیفری بین المللی محسوب شده است.

### ۱۱-۲. حق استفاده از وکیل

این حق متهم است که به دفاع شخصی از خود بپردازد یا آنکه از وکیل بهره ببرد. حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی کیفری حقی اساسی است که به تضمین « رعایت آئین قانونی » کمک می کند. این حق در اسناد متعدد بین المللی تضمین شده است. برخی اسناد علاوه بر بیان اصل حق آگاه کردن متهم، این حق را هم لازم می شمردند.<sup>۲۷</sup> به نظر می رسد دادستان باید متهم را از این حق آگاه کند زیرا مرتباً با متهم و حقوق متهم در ارتباط است و دیگر اینکه حضور وکیل به دادستان در روشن شدن حقایق کمک خواهد شد.

### ۱۲-۲. زبان های کاری

از دیگر لوازم و اقتضات دادرسی عادلانه آن است که متهم از محتوی و ماهیت اتهامات وارد به خود آگاه شود و از جریان مذاکرات دادگاه و ظرافت های لفظی این مذاکرات مطلع گردد. این امر اقتضای آن را دارد که یا متهم زبان دادگاه را درک کند و یا برای او ترجمه شود. طبیعی است که برخورداری از این حق صرفاً به مرحله تحقیقات مقدماتی اختصاص ندارد بلکه مرحله رسیدگی را هم در بر می گیرد.

در خصوص مرحله رسیدگی نیز بر اساس ردیف های « الف » و « و » ماده ۶۷ اساسنامه، متهم باید فوراً و دقیقاً به زبانی که کاملاً درک و یا با آن صحبت می کند از ماهیت و سبب و محتوی اتهام مطلع شود و اگر رسیدگی دیوان و یا مدارکی که در محاکمه ارائه می شود به زبان دیگری غیر از زبانی است که متهم کاملاً درک کرده و صحبت می کند، وی می تواند به صورت رایگان از مساعدت مترجم کارآمد و همچنین از ترجمه هایی که در یک دادرسی عادلانه لازم است، بهره مند شود.<sup>۲۸</sup>

ماده ۵۰ اساسنامه زبان های کاری دیوان را انگلیسی و فرانسه تعیین کرده است، اما دیوان استفاده از زبان های دیگری غیر از انگلیسی و فرانسه را چنان چه موجه ارزیابی نماید، اجازه خواهد داد تعیین این موارد را به آیین دادرسی و ادله واگذار کرده است. بر این مبنا نیز ماده ۴۱ آیین دادرسی و ادله مقرر می دارد: هیات رئیسه دادگاه، اجازه استفاده از یکی از زبان های رسمی دیوان را به عنوان زبان کاری می دهد مشروط بر آن که:

۲۵ - فضائی، محاکمات کیفری بین المللی، ۴۳۵-۴۳۴.

۲۶ - صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۴۱.

۲۷ - بعنوان نمونه بنگرید به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ردیف «ب» بند ۳ ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ردیف «ج» بند

۳ ماده ۶)، منشور بانجول (ردیف «ج» بند ۱ ماده ۷)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ردیف «د» بند ۱ ماده ۸)، و اساسنامه دیوان کیفری بین

المللی (ردیف «ج» بند ۲ ماده ۵۵ و ردیف «د» بند ۱ ماده ۶۷).

۱. این زبان به وسیله اکثریت افراد درگیر در قضیه مطرح شده نزد دیوان یا هر یک از مشارکت کنندگان در رسیدگی که آن درخواست نموده اند، فهمیده و صحبت می شود؛

۲. دادستان و وکیل مدافع آن را درخواست نمایند.

به نظر می رسد دادستان در بعضی از موضوعات مرحله رسیدگی مانند مرحله تحقیقات نقش و ارتباط فعال دارد و در این موضوع یعنی زبان های کاری دیوان دادستان این اختیار را دارد که تقاضای زبانی غیر از زبان انگلیسی و فرانسوی نماید که استنادی بر فعالیت دادستان در بعضی موضوعات مرحله رسیدگی است.<sup>۲۹</sup>

### ۱۳-۲. آئین تعیین مجازات مناسب و ارتباط آن با دادستان

از جمله اختیارات دیگر دادستان تقاضای وی برای تشکیل جلسه ای به منظور تعیین مجازات برای متهم می باشد. (با استناد به ماده ۷۶ بند ۲ اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی).

در صورت احراز مجرمیت متهم، شعبه بدوی می بایست مجازات مناسب را تعیین کند. در انجام این امر اساسنامه از شعبه بدوی می خواهد تا ادله ی را در جریان محاکمه بیان و ارائه شده و مرتبط با مجازات هستند را در نظر بگیرد. عوامل مخففه و مشدده مربوط به ارتکاب خود جرم نظیر نقش فرد مجرم در نحوه رفتار با قربانی بخشی از ادله وابسته به بی گناهی یا مجرمیت است و لذا به عنوان بخشی از پرونده دادرسی تلقی می شود. فی الواقع به دنبال محکومیت متهم، جلسه ویژه ای برای تعیین مجازات تشکیل می شود این جلسه اگر چه اجباری نیست اما دیوان می تواند به تقاضای دادستان یا متهم تصمیم به تشکیل چنین جلسه ای بگیرد از نقطه نظر دادستانی نیز تشکیل چنین جلسه ای مزایایی مترتب است. ادله مشدده نظیر شخصیت بد یا شرور متهم یا سابقه محکومیت قبلی او که در جریان دادرسی به هیچ وجه نباید در بی گناهی یا مجرمیت وی موثر واقع شود، پس از اثبات مجرمیت وی می تواند در تعیین مجازات مناسب موثر واقع شود.<sup>۳۰</sup>

با توجه به مطالب مذکور می توان گفت که دادستان نقش مستقیمی در آیین تعیین مجازات مناسب را دارد زیرا چنانچه دادستان تقاضای چنین جلسه ای را بنماید احتمال این که شعبه مجازات مناسبی بعد از تقاضای دادستان و شنیدن نظرات دادستان در نظر بگیرد زیاد است.

### ۱۴-۲. حق متهم به جبران خسارت در دیوان کیفری بین المللی و ارتباط آن با دادستان

ماده ۸۵ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز این حق متهم را به شرح زیر مورد تصریح قرار داده است:

۱. هر کس از دستگیری و توقیف غیر قانونی متضرر شده باشد، حق مطالبه غرامت را خواهد داشت؛

۲. در صورتی که به موجب رای قطعی، شخصی به عنوان ارتکاب یک امر جزایی محکوم شود و سپس محکومیت وی به جهت این که واقعیات کشف شده جدید، دقیقاً حاکی از قصور در انجام وظیفه قضایی بوده، فسخ و نقض گردد و مشارالیه به جهت رای محکومیت فوق الذکر، مجازات هایی را تحمل کرده باشد مطابق قانون مستحق دریافت خسارت است مگر آن که ثابت شود عدم ارائه واقعیات مکتوم در آن زمان، جزئاً یا کلاً منتسب به همان شخص بوده است؛

۳. در موارد خاص که به نظر دیوان، واقعیات حاکی از قصوری آشکار و مهم در انجام وظیفه قضایی است، می تواند به صلاحدید و مطابق ملاک هایی که در آیین دادرسی و ادله، مقرر گردیده حکم به پرداخت خسارت به شخصی بدهد که پیرو صدور رای قطعی دایر بر براءت و یا منتفی شدن تعقیب به جهت مزبور آزاد شده است.

با ملاحظه بند ۳ ماده ۸۵ اساسنامه ملاحظه می گردد که در این ماده علاوه بر الزامات مقرر در اسناد حقوق بشری سابق الذکر، مورد دیگری نیز پیش بینی شده است که قضات دیوان بتوانند بر مبنای صلاحیت تشخیص خود، حکم به جبران خسارت

<sup>۲۹</sup> - صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۵۴-۲۵۰.

<sup>۳۰</sup> - شیت، ویلیام، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه و تحقیق سید باقر میر عباسی و حمید الهویی نظری (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۴)، (۱۷۱-۱۷۰).

نمایند. این امر در اثر تحولات حقوق بین‌المللی و قضایی که در طول زمان به وجود آمده، پیش‌بینی گردیده است و نوعی توسعه حقوق بین‌المللی به شمار می‌رود. آیین دادرسی و ادله دیوان نیز طی مواد ۱۷۳ الی ۱۷۵ به بیان جزییات و شیوه‌های جبران خسارت پرداخته است.

مطابق ماده ۱۷۳ آیین دادرسی و ادله، شخص درخواست‌کننده خسارت باید درخواست کتبی خود را بر اساس هر یک از دلایل اشاره شده در ماده ۸۵ اساسنامه تقدیم هیات رئیسه دیوان نماید و هیات رئیسه شعبه‌ای را که مرکب از سه قاضی است برای بررسی این تقاضا تعیین می‌کند. این قضات قبلاً نباید در هیچ یک از احکام صادره از سوی دیوان نسبت به شخص درخواست‌کننده، شرکت داشته باشند.

ماده مذکور در خصوص این که چه کسی حق درخواست جبران خسارت را دارد سکوت کرده است و برای تبیین این امر باید از ماده ۸۵ اساسنامه کمک گرفت. ماده ۸۵ نیز فقط «شخصی که بازداشت یا توقیف غیر قانونی شده باشد» و نیز «شخصی را که به موجب رای قطعی محکومیت جزایی پیدا کرده ولی متعاقباً رای مذکور نقض و وی تبرئه شده است» و همچنین «شخصی را که در اثر قصور آشکار و مهمی در انجام وظیفه قضایی، قربانی یک اشتباه قضایی شده و متعاقباً آزاد گردیده» را در بر می‌گیرد.

لذا می‌توان گفت شخصی که می‌تواند بر اساس ماده اخیر الذکر، مطالبه خسارت نماید، شخصی است که واقعاً بازداشت و یا محکوم شده باشد و این حق بر خلاف حق اعاده دادرسی، که بر اساس ماده ۸۴ اساسنامه به همسر، فرزندان و والدین محکوم علیه هم تعلق می‌گیرد، به اشخاصی غیر از محکوم علیه تسری پیدا نمی‌کند.

همچنین بر اساس ماده ۱۴۷ آیین دادرسی، طرف چنین دعوایی دادستان دیوان قرار می‌گیرد و لذا تقاضای جبران خسارت و هر اظهار نظر کتبی دیگر که توسط خواهان صورت گرفته باشد، برای دادستان ارسال می‌گردد و متعاقباً نیز پاسخ و اظهار نظر دادستان نیز به اطلاع متقاضی می‌رسد. شعبه نیز پس از استماع نظریات طرفین، تصمیم می‌گیرد. قضات این شعبه در تعیین مبلغ خسارت موضوع بند ۳ ماده ۸۵ اساسنامه، نتایج سوء اجرای عدالت شدید و فاحش را که بر وضعیت شخصی، خانوادگی و شغلی خواهان اثر گذاشته است، مد نظر قرار می‌دهند.

### ۳. اصول مربوط به ادله اثبات و ارتباط آنها با دادستان

در مرحله رسیدگی نیز ادله و ارزیابی آن‌ها از ضوابطی برخوردار است که رعایت حقوق متهم از جمله مهمترین آن‌ها محسوب می‌شود.

#### ۳-۱. آزادی دلایل

جمع‌آوری ادله اثباتی همواره از مشکل‌ترین وظایف مقام تعقیب است، این امر به ویژه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. زیرا در این دادرسی‌ها اصولاً دلایل در کشورهایی بسیار دورتر از مقر دیوان قرار دارند و دسترسی به آنها مستلزم همکاری و معاضدت بین‌المللی و همچنین همکاری کشور محل ارتکاب جنایت است.

جمع‌آوری دلیل از وظایف مقام تحقیق است که باید در بررسی‌های خود دلایل را اعم از آن که به نفع متهم باشند و یا به ضرر او جمع‌آوری نماید. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، همان‌گونه که گفته شد، این وظیفه بر عهده دادستان دیوان قرار گرفته است. به طور کلی در امور کیفری، دلیل به دو منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد:

اول برای اثبات وقوع فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات و یا تدبیر دیگری منظور شده است و در مرحله دوم، برای انتساب آن فعل یا ترک فعل به متهم است. بنابراین مقام تعقیب مکلف به اثبات عناصر سه‌گانه جرم است<sup>۳۱</sup>.

در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی نیز وضعیت به همین گونه است. یعنی دادستان، هر یک از دلایل اعم از اقرار، شهادت شهود، گزارش کمیته‌های حقیقت‌یاب و ... را با توجه اثری که در اثبات وقوع جرم عناصر آن را دارند مورد استناد قرار می‌دهد.

۳۱ - محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹)، ۵۰.

در خصوص جمع آوری و ارائه ادله، برخلاف امور حقوقی یا مدنی که اثبات اعمال حقوقی (قراردادها یا عقود و ایقاعات)، به شرایط و قالب های معینی نیاز دارد، در امور کیفری غالباً وقایع مجرمانه متنوع و نامحدوده بوده و انتساب آنها به متهم و در پوشش قالب قانونی قرار دادن رفتار مرتکب و انطباق واقعه با مصادیق قانونی آن و همچنین انتساب واقعه به مرتکب، مستلزم دلیل و اثبات است و با توجه به این دشواری، اصل این است که جرایم با هر نوع دلیلی قابل اثبات می باشد.<sup>۳۲</sup>

همچنین بر اساس بند ۵ ماده ۶۸ در مواردی که ارائه ادله یا اطلاعات ممکن است منجر به خطرات بزرگی نسبت به امنیت شاهد یا خانواده او شود، دادستان می تواند از ارائه آن ادله یا اطلاع امتناع ورزیده و به جای آن صرفاً خلاصه ای از آنها را ارائه دهد.<sup>۳۳</sup>

به نظر می رسد تفاوتی ندارد که ارائه ادله در مرحله محاکمه مقدماتی و یا دادگاه بدوی باشد، هنگامی که این دلایل برای شهود خطر آفرین باشند، چه به نفع متهم و چه به ضرر متهم باشد، دادستان باید بر اساس بند ۵ ماده ۶۸ عمل کند و در نتیجه در می یابیم که دادگاه بدوی در زمینه حقوق متهم نقش و ارتباطی مستقیم با دادستان دارد.

### ۲-۳. پذیرش و ارزیابی ادله

در نظام های دادرسی کیفری، هر وسیله مشروعی که بتواند قاضی را در کشف حقیقت یاری دهد مورد استفاده وی قرار می گیرد. جهت تحصیل دلایل رعایت شرایط و تشریفات خاص دلیل نیز الزامی است. برخی از شرایط مزبور، ناظر به رعایت حقوق متهم است.<sup>۳۴</sup> آزادی دلایل در نظام دادرسی دادگاه های کیفری بین المللی نیز هرگز به معنای نادیده گرفتن حقوق اشخاص درگیر در پرونده و از جمله متهم نمی باشد. این معنا در بند ۲ ماده ۶۹ اساسنامه دیوان نیز منعکس شده است که ترتیبات اتخاذی برای ارائه ادله از جمله شهادت شهود، نباید منافی و یا معارض با حقوق متهم باشد.

#### ۱-۲-۳. استماع شهادت

از مهمترین ادله ای که در دادرسی های کیفری بین المللی به آن استناد می شود شهادت شهود است. این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است و به همین جهت می بایست ترتیبی اتخاذ گردد تا متهم و یا وکیل او بتوانند گواهان خود را در دادگاه حاضر نمایند و شهادت دهند و همچنین متهم بتواند با شهود دادستان مواجهه پیدا کند و آنان را مورد پرسش متقابل قرار دهد در اساسنامه دیوان نیز بند «ه» از قسمت اول ماده ۶۷ ذیل عنوان حقوق متهم مقرر می دارد: «از شهودی که علیه وی معرفی شده اند، راساً یا توسط دیگری سوالاتی بنماید و مطابق همان شرایطی که شهود علیه وی داشته اند شهود خود را در جلسه حاضر کرده و از آنها سوال کند.

### ۲-۲-۳. اقرار متهم

یکی دیگر از دلایل اثباتی اقرار متهم می باشد که ماده ۶۵ اساسنامه نیز در این خصوص مقرر می دارد: اگر متهم به مجرمیت خود اقرار کند و ماهیت و نتایج ناشی از اقرار به مجرمیت خود را درک کرده باشد و اقرار به مجرمیت از سوی متهم نیز پس از مشورت با وکیل و به صورت داوطلبانه بوده و با واقعیات پرونده نظیر ادله دادستان، اسناد و مطالب موجود در پرونده یا شهادت شهود یا هر دلیل دیگر نیز هماهنگ باشد در این صورت می تواند اقرار را برای احراز و اثبات جرم کافی تلقی نموده و متهم را محکوم نماید. با نگاهی به متن ماده ۶۵ فوق الذکر، ملاحظه می گردد که دیوان کیفری بین المللی نظام طریقت ادله را انتخاب نموده است و حتی در فرضی هم که متهم به صراحت به مجرمیت خود اعتراف می کند، رسیدگی قضایی می شود و تنها در صورت وجود شرایط موجود جهت صحت اقرار، آن را می پذیرد.

۳۲ - ایرج گلدوزیان، ادله اثبات دعوا (تهران نشر میزان، ۱۳۸۴)، ۲۱۰.

۳۳ - صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۳۱-۲۲۸.

۳۴ - حسنعلی موذن زادگان، «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن» (رساله دکتری، تهران: شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳)، ۴۵.

اصل این تاسیس در اساسنامه دیوان از سویی شبیه به نهاد « معامله اتهام »<sup>۳۵</sup> ( در نظام دادرسی اتهامی ( کامن لا ) است که در آن جا متهم و دادستان در خصوص اتهام و میزان مجازات مذاکره می کنند و اقرار متهم و همکاری او در جریان تعقیب و دادرسی نقش در این معامله دارد . اما این تاسیس در اساسنامه دیوان تغییر ماهیت داده است . به گونه ای که این اقرار به مجرمیت باید توسط دادگاه مورد بررسی قرار گیرد و در صورت تأیید و وجود شرایط مقرر در ماده ۶۵ است که می توان به آن ترتیب اثر داد ، در غیر این صورت دادگاه روال عادی خود را جهت رسیدگی به جرم ، ادامه می دهد .

تفاوت دیگر این تاسیس با « معامله اتهام » در این است که در فرضی که اقرار متهم به مجرمیت خودش مورد پذیرش دیوان قرار گرفت هیچ مزیتی برای متهم در این اقرار وجود ندارد . این مطلب به صراحت در بند ۵ ماده ۶۵ اساسنامه آمده است : دیوان به بحث های بین دادستان و متهم راجع به اصلاح اتهامات ، اعتراف به مجرمیت و یا مجازاتی که قرار است اعمال شود ، مأخوذ و مقید نخواهد بود . هر چند که در مرحله عمل این اقرار باعث می شود که متهم مجازات مناسب تری تحمل نماید .

در نظام کامن لا ، اعترافی که در اثر مذاکرات متهم با دادستان حاصل می شود در محکومیت و مجازات وی موثر است . در برخی نظام های حقوقی نظیر نظام حقوقی ایتالیا، در صورت اقرار متهم به مجرمیت ، نوعی تخفیف قانونی برای پیش بینی شده است که خود به خود قابل اعمال است مگر این که قاضی رسیدگی کننده نسبت به چنین اقراری اکتناع نشده باشد<sup>۳۶</sup> . اما وضعیتی که در اساسنامه دیوان ( ماده ۶۵ ) پیش بینی شده است با تمام موارد فوق متفاوت است و یک وضعیت بینابین است که متهم بدون هیچ تضمینی نظیر کاهش مجازات و ... می تواند اقرار کند تا از مرحله رسیدگی قضایی به ادله جلوگیری شود<sup>۳۷</sup> .

به نظر می رسد دادستان کیفری بین المللی علاوه بر جمع آوری دلایل علیه و له متهم در تحقیقات مقدماتی در دادگاه هم می تواند از دلایلی که با استناد موضوعات یاد شده در حدود قانون باشد، علیه یا له متهم برای اثبات جرم استفاده کند .

### ۳-۳. دلایل باطل

آزادی دلیل و سیستم اکتناع وجدان قاضی ، به این معنا نیست که قاضی اعتقاد باطنی خود را بر دلایلی متکی سازد که در جریان رسیدگی به طور غیرقانونی تحصیل گردیده اند . به همین جهت نمی توان به طرقی نظیر اخذ اقرار با شکنجه ، استفاده از دروغ سنج و موارد مشابه دست به کسب دلیل زد<sup>۳۸</sup> .

نظام حاکم بر دیوان کیفری بین المللی در این قسمت نیز به نظام های مربوط به حقوق نوشته بسیار شبیه است . اساسنامه دیوان مقرر می دارد که تصمیم شعبه رسیدگی باید متضمن بیانی کامل و مستدل از استنباط قضات راجع به ادله و نتایج آنها باشد<sup>۳۹</sup> . به عبارت دیگر اصل در دیوان کیفری بین المللی بر آزادی بررسی انواع ادله است و نهایتاً تصمیم دیوان باید شامل توصیفی از دلایل پذیرش ادله و یا مستثنی نمودن آنها ( عدم پذیرش ) باشد .

مطابق بند ۷ ماده ۶۹ اساسنامه دیوان ، دو معیار جهت عدم پذیرش و مستثنی نمودن برخی ادله وجود دارد : ادله ای که با نقض این اساسنامه و یا حقوق بشر شناخته شده بین المللی تحصیل شده باشد ، پذیرفته نیست ، به شرط آن که :

الف ) نقص مذکور ، اساساً اعتبار آن ادله را متزلزل سازد .

ب) پذیرش آن ادله معارض با سلامت دادرسی بوده یا صحت آن را جداً به مخاطره اندازد .

قسمت الف این بند در واقع تضمین کننده سلامت و صحت رأی است و قسمت دوم آن نیز ضرورت حمایت از حقوق طرفین و به ویژه حقوق بنیادین اشخاص متهم را به رسمیت می شناسد . به عنوان مثال اقراری که تحت شکنجه اخذ شود ، اساساً اعتبار

۳۵- plea bargaining

۳۶-caianiello,Michele \$ illuminati, giullio; 455

۳۷- صابر ، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۳۱-۲۳۰

۳۸- جهت کسب اطلاعات بیشتر رک: ایرج گلدوزیان ؛پیشین؛صص ۳۱۶-۳۱۰

۳۹- بند ۵ ماده ۷۴ اساسنامه ICC

آن متزلزل است، لذا در فرضی که صحت آن محرز باشد اما دلیل آن به سلامت دادرسی لطمه وارد آمده است نباید مورد پذیرش قرار گیرد.<sup>۴۰</sup>

نکته دیگری که در این ماده وجود دارد این است که بین نقض مواد اساسنامه و نقض حقوق بشر شناخته شده بین المللی تفکیک قائل شده است. در مواد اساسنامه حقوق متهم و نحوه جمع آوری ادله و ... مشخص است و مواردی را هم به آیین دادرسی و ادله ارجاع داده است. اما حقوق بشر شناخته شده بین المللی را که به عنوان دومین مرجع و ضابطه ذکر شده است باید در اسناد و میثاق های بین المللی مربوط به حقوق بشر جستجو کرد.<sup>۴۱</sup>

در آئین دادرسی کیفری قواعد الزام آوری در خصوص کنار گذاشتن ادله و مدارک وجود ندارد: رویگری که تاکنون پذیرفته شده است این که هر گونه دلیلی که ارزش اثباتی داشته باشد، پذیرفته است مگر آن که پذیرش چنین ادله ای بیش از حد لازم بر ضرورت تامین دادرسی عادلانه سنگینی نماید. این امر نبود ضوابطی کلی را در پی داشته است که به عنوان یک واقعیت اصولی کنار گذاشتن انواع معینی از ادله را مقرر خواهند کرد.

اساساً، قضات بر پایه ی یک بررسی مورد به مورد تصمیم می گیرند که هر گونه ادله ی قابل دسترسی را بپذیرند و سپس، صرف نظر از هر گونه ارزیابی قبلی با آزادی کامل مقرر می دارند که آیا اعتبار آن را بپذیرند یا خیر. بنابراین، همیشه تمایل به پذیرش چنین ادله ای بوده است و نهایتاً از استفاده از آن در مرحله بعدی، یعنی هنگامیکه ادله ی مربوط به بی گناهی یا مجرمیت متهم ارزیابی می شود، خود داری شده است.

بطور کلی قواعدی که باعث می شود برخی ادله کنار گذاشته شوند و هدف را دنبال می کنند از یک طرف، هدف آن ها تحمیل قواعد رفتاری بر طرفین است. در این مورد، آن ها به عنوان ضمانت اجرا برای نقض قواعد رفتاری پیش گفته طراحی شده اند.

برای مثال چنانچه دادستان نام شاهد و اظهارات او را برای متهم ارسال ننماید، دادستان حق احضار شاهد مزبور را نخواهد داشت. این نتیجه می تواند «ضمانت اجرایی شکلی» نامیده شود، که هدف آن اساساً تامین رعایت قواعد دادرسی است. از طرف دیگر، هدف دیگری که از کنار گذاشتن ادله و مدارک استنباط می شود در زمینه های ارزش های مندرج در قواعد دادرسی کیفری است.

قواعد مربوط به رد ادله و مدارک می تواند این استثنا را تقویت کنند که ادله ای نظیر شایعه وجود دارد که ذاتاً معتبر نیستند و در نتیجه برای کشف حقیقت مناسب نمی باشند. نمونه های دیگری که می توانند به روشن تر شدن استدلال بینجامد عبارتند از: شیوه هایی نظیر دروغ سنج یا «حقیقت یاب» و غیره. ماده ۶۹ (۷) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مقرر می دارد: «ادله ای که با نقض این اساسنامه یا حقوق بشر شناخته شده بین المللی تحصیل شده باشد، پذیرفته نیست.»<sup>۴۲</sup>

به نظر می رسد چون دادستان دلایل علیه و له متهم را جمع آوری می کند؛ چنانچه دلیلی باطل باشد، مثلاً دادستان نام شاهد و اظهارات او را برای متهم ارسال ننماید، دادستان حق احضار شاهد مزبور را نخواهد داشت. در نتیجه یکی دیگر از مواردی که به عنوان حق برای متهم شناخته شده است و با دادستان که آن دلایل را ارائه می دهد در دادگاه بدوی ارتباط مستقیم دارد به همین جهت می توان اذعان داشت که نقش دادستان در این مورد می تواند کاملاً اساسی باشد همچنان ممکن است باطل شدن دلایل با عمل دادستان بوجود بیاید.

۴۰ - صابر، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، ۲۳۳-۲۳۲.

۴۱-caianiello, Michele, 451

۴۲ - سالواتور زاپالا، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین المللی، ۱۹۱-۱۸۷.



## برآمد

بنا به جمیع جهاتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، می توان گفت که پس از پایان تحقیقات مقدماتی، دادستان مکلف به حضور در دادگاه و دفاع از کیفرخواست صادره توسط خویش می باشد و نادیده گرفتن این مهم خطاست، همچنین بار اثبات مجرمیت با عنایت به اصل براءت و افشای ادله و اطلاعات از وظایف وی می باشد.

اصل تساوی همگان در برابر دادگاه فارغ از سمت رسمی آنان و مصونیت های سیاسی و دیپلماتیک تضمین شده است. به علاوه علنی بودن دادرسی و حکم از اقتضاعات دادرسی عادلانه است که در اساسنامه دیوان مورد تصریح قرار گرفته است و در مواردی که به نحو کاملاً استثنایی محاکمه در غیاب متهم صورت می گیرد، سایر حقوق بنیادی مربوط به دادرسی عادلانه نظیر حضور وکیل مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. همچنین صرفنظر از رعایت مهلت معقول، از لحاظ ادله اثباتی نیز اصل بر آزادی دلایل است و ارزیابی دلایل بر عهده دادگاه است که بر مبنای اقناع وجدانی قضات اقدام می شود.

بطور اختصار عمده حقوق متهم در رسیدگی های دیوان که مرتبط با وظایف و اختیارات دادستان می باشد عبارتند از: فرض براءت، حق سکوت و ممنوعیت اجبار متهم به اقرار علیه خود یا دیگری، حق داشتن وکیل، دسترسی به معاضدت حقوقی و داشتن مترجم، حق متهم بی گناه به جبران خسارت. در این خصوص لازم به ذکر است که رعایت حقوق متهم در مرحله ی محاکمه در اساسنامه و آیین دادرسی و ادله دیوان نیز مد نظر بوده اند. البته در برخی مواردی مانند اعلام حق سکوت، نقایصی وجود دارد و یا اینکه نظام انتخاب وکیل و نظارت بر آن، به مقامی اداری واگذار شده است که با اصول دادرسی عادلانه در باب استقلال وکیل مغایرت دارد و پیشنهاد می شود اصلاح گردد.

## فهرست منابع

## منابع فارسی

۱. آل حبیب، اسحاق، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
۲. آشوری، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، چاپ نخست، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۷۵.
- ۳- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران: سمت، چاپ نخست، ۱۳۷۹.
۴. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری. جلد دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات، چاپ ششم، ۱۳۸۰.
۵. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، تهران: اشراق (دانشگاه قم)، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۶. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۷. اردبیلی، محمد علی، حقوق بین الملل کیفری، گزیده مقالات ۱. چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۸. آقایی جنت مکان، حسین، « نظارت قضایی بر تشخیص دادستان کیفری بین المللی»، مجله حقوقی بین المللی ۳۹ (۱۳۸۷).
۹. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری. چاپ نخست، تهران: موسسه ی مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷.
۱۰. زاپالا، سالواتور، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین المللی، ترجمه و تحقیق حسین آقایی جنت مکان. اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
۱۱. شریعت باقری، محمد جواد، حقوق کیفری بین المللی، تهران: جنگل، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.
۱۲. شریعت باقری، محمد جواد، اسناد دیوان کیفری بین المللی، تهران: جنگل، چاپ نخست، ۱۳۸۶.

۱۳. شبت، ویلیام، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه و تحقیق سید باقر میر عباسی و حمید الهویی نظری تهران: جنگل، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
۱۴. صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، تهران: دادگستر، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
۱۵. صابر، محمود، «آیین تعقیب جنایات در دادرسی دیوان کیفری بین المللی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۲ (۱۳۸۸).
۱۶. فضائی، مصطفی. دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین المللی، تهران: موسسه ی مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
۱۷. کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه و تحقیق حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، تهران: جنگل، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
۱۸. کیتی چایساری، کریانگ ساک، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه و تحقیق حسین آقایی جنت مکان، تهران: جنگل جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- ۱۹- گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۲۰- مودن زادگان، حسنعلی، «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن»، رساله دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
۲۱. ناصر زاده، بابک، دیوان کیفری بین المللی، تهران: بهنامی، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
- ۲۲- واحدی، قدرت اله، حقوق بین الملل کیفری، تهران: جنگل جاودانه، چاپ نخست، ۱۳۸۹.
- ۲۳- طهماسبی، جواد، صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، تهران: جنگل جاودانه، ۱۳۹۱.

#### منابع انگلیسی

- 1-Mario chiavario, 'private parties: the rights of the defendant and the vitim', in **European criminal procedures**, ed.by mireille delmas marty and j.r.spencer, Cambridge university press,2002,pp.541\_593,at555
- 2- elsea, Jennifer; **international criminal court**: overview and selected legal issues ;report for congress,june ,2002
- caianiello,Michele \$ illuminati, giullio; **from the international tribunal for former Yugoslavia to the nternational criminal court**.n.c.j.int.ll.\$ com.reg.vol 26.
3. [http;LK://www.one crown of ficerown .com/hru/ttms/ttem227.htm](http://www.onecrownoficerown.com/hru/ttms/ttem227.htm)